

یادداشت

یادداشتی بر نمایش پرتره

میزافسن‌های متناسب

عطا صادقی

این روزها نمایش پرتره نوشته اسلاومیر مروژک، به کارگردانی دکتر محمدرضا خاکی در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه است. نوشته زیر به بهانه این اجرا، نگاهی دارد به نمایشنامه پرتره و رویکرد گروه اجرایی به این نمایشنامه.
نشانه دوست داشتم. تو حال و آینده من بودی، نمی توانستم گذشته خودم رو ببخشم که تو توش غایب باشی. حتی اگه اون وقت ها، این گذشته، خیلی کوتاه بود. . . . و نمایش پرتره اینگونه آغاز می شود. با صدای مردی در تاریکی. مردی که دارد مونولوگ عاشقانه مبهمی را بیان می کند. مبهم به خاطر این که مونولوگ عاشقانه به وضوح اشاراتی سیاسی نیز به همراه دارد. اشاراتی که شاید تماشاچی را به شک بیندازد ولی به هر حال، فضای غالب صحنه، فضایی سراسر عاشقانه است. مونولوگ خطاب به شخصی است که ما نمی دانیم کیست. یک معشوق؟ شاید، به احتمال زیاد! اما هنوز صددرصد معلوم نیست! تاریکی ادامه دارد و مونولوگ نیز. آخرین جمله ها اینگونه است: یسه دیگه! به چیزی بگو! دلم می خواد برای یه دفعه هم که شده با هم حرف بزیم. من برای همین به اینجا اومدم، اون هم بعد این همه سال. . . باید بالاخره حرفامون رو روک و پوست کنده به هم بگیم. حالا دیگه وقته! دیگه نمی تونم به این وضع ادامه بدم. می شنوی؟ من دیگه نمی تونم! بعدش هم اون خنده ات. دیگه یسه! به من نگاه کن، به من نگاه کن! و ناگهان نور می آید. مردی که این حرف ها را زده، پالتو پوشیده، چمدان و چتری در دست دارد، پشت به تماشاچی ایستاده و خطاب او به تابلوی بزرگ روبه رویش است. پرتره ای از ژوزف استالین! «موسیقی ستایشی نپایش گونه Apotheoses فضای صحنه را پر می کند». . . شوک بسیار خوبی است برای شروع یک نمایش. در حقیقت، مروژک از همین لحظه، بازی را با ما آغاز کرده است!

■ مروژک

مروژک یک روشنفکر ناراضی لهستانی است و تقریباً در همه آثارش چنین مسئله ای پیدا است. سیاست از موضوعات مورد علاقه مروژک است و بیسپاری از نمایشنامه های او در واقع، بار سیاسی و حتی ایدئولوژیک دارند: از «آهو» بگیر تا «بر پهنه دریا»، از «کارول» و «استرپ تیز» تا «سفارت خانه» و «پلیس»، از «فراداد» و «مهاجران» تا «پرتره». اعتراض به سیستم های حکومتی و تأثیرات دیکتاتور سلوک و انتقاد صریح و بی پرده از آن، از درون مایه های اصلی آثار مروژک است. هرچند مروژک در بیشتر مواقع این انتقاد را در بستر طنز نشان می دهد، طنز تلخ و سیاه بسیاری از نمایشنامه های مروژک، بیشتر به گریتسک نزدیک است و ترس ناشی از موقعیت، معمولاً خنده را بر لب می خشکاند.

■ اجرا



وقتی بدانی زمان اجرای نمایشی بیشتر از دو ساعت و نیم است، طبیعی است اولین چیزی که ممکن است باعث نگرانی ات شود، ریت کار و تمپوی آن است. اجرای پرتره به کارگردانی دکتر محمدرضا خاکی با وجود آن که در متن طولانی نمایشنامه تا حد زیادی وفادار است، اما تماشاچی را خسته نمی کند. به جز صحنه گفت وگوی مفصل بارتوندریچ و آتاتول در صحنه ای که در نهایت به سکنه کردن آتاتول ختم می شود و لحظاتی از آن ممکن است ارتباط تماشاگر و بازیگران از دست برود، ریت و ضرباهنگ بقیه کار بسیار خوب از حد درآمده است. خط رولای به نسبت کم رنگ در پرتره، گفت وگوهای طولانی در صحنه های مختلف، آن هم بدون آن که از نظر داستانی واقعاً اتفاقی رخ دهد و ترفند مروژک در پس و پیش کردن صحنه ها از نظر توالی زمانی، بالقوه این خطر را به وجود می آورد که اجرای پرتره به اجرای ملال آور تبدیل شود، اما در کار خدایا این جانشایه متن و انتخاب شیوه اجرایی مناسب، به ویژه استفاده از جاشنی طنز در بسیاری از لحظات، اجرای پرتره را از این خطر رهاییده است. با توجه به جنس نمایشنامه پرتره، پیش از شروع نمایش، به شخصه انتظار داشتم اجرای نمایش به مذاق عده ای از تماشاچیان کمتر حرفه ای خوش نیاید و دست کم درصدی از آنها سائلن نمایش را از کشیدن، اما ریت مناسب کار، میزانشن های متناسب و بازی های روان و کم دست کار باعث شد تا اجرای پرتره، همه تماشاچیان را تا به انتها همراه خود نگه دارد.

از دیگر ویژگی های اجرای نمایش پرتره که می توان به آن اشاره کرد، رعایت ایجاز در طول کار به رغم داشتن زمان طولانی و میزانشن دهی که کارگردانی خوب اثر است و به طوری که کمتر اضافاتی در کل کار دیده می شود و هر اتفاقی که روی صحنه می افتد، دارای دلیلی منطقی و تاتاری است. از چخوف نقل است: «اگر در نمایشی از من، یک تپانچه روی صحنه دیده شود، شک نکنید که در طول نمایش از آن استفاده خواهد شد.» در پرتره نیز همه میزانشن ها و حرکت های روی صحنه، حتی طراحی صحنه و لباس- که در مروژک در این نمایش روی آن تأکید ویژه داشته است- ضروری اند و کارکرد خاص خود را دارند. اما در پایان دور از انصاف خواهد بود که درباره نمایش پرتره سخن گفت و از بازی های خوب آن حرفی نزد. بازیگران کار که به نظر می رسد به جز اصغر همت و حدی شهین نجف نژاده، بقیه تجربیات را دیوبی بسیار بیشتری در مقایسه با حضور روی صحنه داشته اند، همگی خیلی خوب از پس نقششان برآمده اند.

■ شما تجربه کارگردانی «حسن کچل» علی حاتمی و

نمایشنامه هایی از ساعدی را داشته اید اما از آن پس تا به حال فقط نمایشنامه های خارجی را روی

صحنه بردید و یا در آنها بازی داشتید.

چرا ارتباط تان با نمایش های ایرانی کم رنگ شده است؟

نمایشنامه فرنگی و ایرانی برایم فرقی نمی کند. وقتی نمایشنامه ای با مردم امروز ارتباط برقرار کند مسلماً برای اجرا هم مناسب است. خبیلی از نمایشنامه های فرنگی هستند که با روحیه و سلیقه ما رابطه برقرار می کنند و خیلی از نمایشنامه های ایرانی هم هستند که بیشتر فرنگی هستند. نمایشنامه خوب ربطی به تابعیت نمایشنامه نویس ندارد. فقط مهم این است که چقدر یک نمایش با مردم ارتباط برقرار می کند.

■ «زمین مقدس» به شیوه تئاتر ارسطویی نوشته شده است به نظر تان در این حیظه توانسته مواد خام خوبی را در اختیار بازیگرانش قرار بدهد؟

ببینید اگر این نمایش چنین کاری را نمی توانست انجام دهد، من اصلاً بازی نمی کردم و یا وسط تمرین رهایش می کردم. مهم این است که کارگردان و

بازیگر با هم بتوانند ارتباط برقرار کنند. بتوانند به هم دیالوگ داشته باشند و کارگردان بتواند به نحو معقولی نظراتش را اعمال کند چون باید در نهایت از حرف بازیگر را بزنند و بازیگر هم در نهایت باید حرف کارگردان را گوش کند. رابطه من با ایوب آقاخانی خوب بود و حرف های یکدیگر را هم فهمیدیم. من خیلی با نظرات، هدایت و ذهنیت اش موافق بودم. البته چیزهای کوچکی هم بود که شاید خیلی موافق نبودم. در هر کار این اختلاف ها طبیعی است. در کل سلیقه ام خیلی از او دور نبود.

■ اولین باری که متن را خواندید، شخصیت مازیار نژاده و خود متن برایتان چه جذابیت هایی داشت که بازی در آن نمایش را پذیرفتید؟

من همیشه اولین باری که نمایشنامه ای را می خوانم، روح کل نمایشنامه را در نظر می گیرم و نه شخصیتی که قرار است من بازی کنم، چون امکان دارد آن شخصیت، دوست داشتنی و خوب باشد، اما خود نمایشنامه، خوب نباشد یا برعکس. پس در مرحله اول من کلیت نمایش را مدنظر قرار می دهم. «زمین مقدس» هم، نمایشنامه خوبی بود. اجزایش خیلی خوب در کنار هم چیده شده بود و تمام تضادهای که در متن مطرح می شد، جوابی برایش وجود داشت. بهتر بگویم؛ مهندسی نمایش درست و بجا بود. این ویژگی ها خیلی من را شگفت زده کرد. داشتن چنین شناخت دقیقی از نوشتن نمایشنامه از سوی یک نویسنده جوان برایم جالب بود. برای این که در اکثر متن های ایرانی چنین ویژگی ای دیده نمی شود، یعنی شاید در خیلی از متن ها فکر خوبی وجود داشته باشد، اما دیالوگ هایش خوب نباشند به عبارتی اگر دیالوگ ها حذف شوند و با جایشان عوض شود، اتفاقی نمی افتد در حالی که در «زمین مقدس» امکان چنین اتفاقی وجود نداشت، چون آن وقت همه چیز به هم می ریخت. بعد از خواندن متن وقتی با آقاخانی صحبت کردم، متوجه شدم دارای تفکر و ایدئولوژی است و متوجه است که در چه دردی می کند. در ضمن شخصیت نمایش را خیلی دوست داشتم. مازیار نژاده بسیار به من نزدیک بود. من در خارج تحصیل کرده ام و فعالیت های دانشجویی داشته ام. کم و بیش با مسائل مطرح شده در نمایش، روزگاری دست و پنجه نرم کرده ام. از لحاظ سنی هم با هم شبیه بودیم. فقط شاید تا حدودی من با تفکر آقای نژاده موافق نباشم؛ این که تمهت هایی که به او می زنند را با این فلسفه که اباید صبر و تحمل را زیاد کرد تا خود به خود مسئله حل شود» پذیرا می شوم. من شخصاً با چنین فلسفه ای موافق نیستم. اما از آن جهت که شخصیت نژاده را بعدی تصویر نشده؛ مثلاً لاجلاً نیست؛ فکری سرزنده و شوخ است و در ضمن، یک انسان روشنفکر و نویسنده است، راه را برای کنار آمدن با شخصیت باز می کرد و در کل باعث می شد که برایم جالب باشد. خوشبختانه، کارم خوب پیش رفت و باز هم خوشبختانه رسانه ها و مردم تا اینجا نشان دادند که نظرشان مثبت بوده است.

■ شما در صحنه، حضور فیزیکی پررنگی دارید؛ چیزی حدود ۹۰ دقیقه در صحنه بازی می کنید. برای بازیگری در سن شما، چنین حضوری بسیار سخت است. چه کارهایی برای آماده نگه داشتن خودتان در صحنه انجام می دهید؟

بازیگران هم مثل ورزشکاران از آن جا که کار سختی را انجام می دهند باید خیلی چیزها را از نظر جسمی و روحی رعایت کنند؛ مثلاً مواظب تغذیه و استراحت خود باشند و باید زیاد ورزش کنند. خیلی ها به اثرژی که در صحنه صرف می کنم، اشاره می کنند اما من واقعاً صرف اثرژی زیادی را احساس نمی کنم؛ چون این کار را خیلی دوست دارم. عاشق تئاتر هستم و برخورد نزدیک با تماشاگر را دوست دارم. به همین دلیل برای من، انجام این پرفورمنس کار لذت بخشی است. اگر در کل بخواهم بگویم، من کار به خصوصی برای آماده نگه داشتن خودم در صحنه انجام نمی دهم، (با خنده) مثلاً دوپینگ نمی کنم؛ برای این که او وقت از بازی محروم می شوم. تنها کارهای خاصی که انجام می دهم این است که به خاطر علاقه ام به تئاتر سعی می کنم قبل از این که به تئاتر شهر بیایم استراحت کنم و ذهنم را از

گفت وگو با داود رشیدی، بازیگر نمایش «زمین مقدس»

مگر از نسل من در تئاتر باقی مانده اند

نیلوفر رستمی



داود رشیدی بازیگر و کارگردان پیشکسوت تئاتر این روزها در دهه هفتاد زندگی اش مشغول بازی در نمایش «زمین مقدس» به کارگردانی ایوب آقاخانی است. او پس از سال ها و حضورهای ماندگارش در تلویزیون و سینما هنوز به تئاتر وفادار مانده است و او را یگانه عشق خود معرفی می کند. داود رشیدی متولد تهران، دیپلم کارگردانی و بازیگری را از آکادمی موزیک ژنو و پس از آن کارشناسی علوم سیاسی را از دانشگاه ژنو گرفت. او از دوره جوانی برای تحصیل به اروپا رفت و از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۶۳ به طور حرفه ای به عنوان بازیگر در تئاتر Calouge (Gersgeferal) همکاری کرد. همچنین با کارگردانی با نام «فلیپ مانتا» که هم اکنون مدیر تئاتر «کلبر ملو» شهر لوزان است، همکاری داشت. همچنین اولین نمایشی که او در ایران کارگردانی کرد، نمایش «می خواهید یا من بازی کنید؟» نوشته مارسل آشار در سال ۴۳ بود که در تالار اداره هنرهای دراماتیک کسری روی صحنه رفت. در سال ۴۵ نیز گروه تئاتر امروز را در اداره تئاتر راه اندازی کرد. با داود رشیدی قبل از اجرای نمایش در تالار قشقایی گفت وگو کردیم.

■

روزها بیشتر شد و حدود ۲۵ روز هم در تئاتر شهر تمرین کردیم. این روند تمرین، به ما خیلی کمک کرد. به این شکل نبود که از روز اول، سه، چهار ساعت تمرین کنیم ما در اوایل تمرین مان فرصت کافی برای فکر کردن داشتیم و بیشتر هم روی خوانش متن تمرین کردیم تا روی میزانشن ها.

■ شما خودتان در مقام کارگردان وقتی می خواهید نمایشی را با گروه تان تمرین کنید، بیشتر به خوانش متن اهمیت می دهید یا به میزانشن ها؟

من خودم خواندن متن را در دور میز در چند جلسه خلاصه می کنم؛ یعنی بیشتر از جلسه سوم دیگر اعتقاد به خواندن متن ندارم و تمرین ها را با توجه به پیام ها و به حرکات و میزانشن های که در ذهنم برای بازیگران در نظر گرفته ام، شروع می کنم. حالا بعضی اوقات حرکت های ذهنی من با حرکت های بازیگرها هماهنگ نمی شود و باید حرکت های دیگر را انتخاب کرد که بازیگر هم بیشتر با آن سازگار باشد که خود به خود به خود به تمرین ها شکل می گیرد. به طور خلاصه، من، تمرین ها را زودتر آغاز می کنم و میزانشن ها هم، بیشتر، همان چیزی خواهد بود که در ذهن من بوده است.

■ این گروه جوان، کارگردان و یا متن برایتان چه ویژگی هایی داشت که بازی در این نمایش را پذیرفتید؟ می گویند نسل شما چندان راغب نیستند که با نسل جوان کار کنند.

من از نمایشنامه، خیلی خوشم آمد بعد هم که با کارگردان صحبت کردم از افکارش خوشم آمد و همین دلیلی شد برای انتخاب کار. اما شما بر چه اساسی می گوید که نسل من از کار کردن با نسل جوان خوشش نمی آید! اما مگر از نسل من در تئاتر باقی مانده اند؟ آنها جذب سینما و تلویزیون شده اند. شاید چون بازی

زمین مقدس

کارگردان: ایوب آقاخانی
نویسنده: ایوب آقاخانی
طراح صحنه: لادن سیدکنعانی
طراح لباس: لادن سیدکنعانی
موسیقی: ایوب آقاخانی
طراح پوستر: ارسلان آقاخانی
منشی صحنه: سیده نیازخانی، گروه کارگردانی: اصلان شاه ابراهیمی، هومن خدادوست، جلوه های صوتی: فرشاد آذرنیا، عکاس: شکوفه هاشمیان، روابط عمومی: علی هاشمی، طراح نور: مجید ناخدا، اجرای نور: علی اصغر فرخی، طراح چهره پردازی: بهمن صنیعی، اجرای صدا: مهرداد مصلحی
بازیگران: داود رشیدی، افسانه ماهیان، با همکاری هما روستا، گروه تئاتر معاصر، محل اجرا: تالار قشقایی، زمان اجرا: مرداد و شهریور ۱۳۸۵،

خبرها

اکبر رادی درباره رضا سیدحسینی سخنرانی می کند

اکبر رادی در مراسم سالانه کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران سخنرانی می کند.
محمدحسین ناصربخت مدیر روابط عمومی کانون ملی منتقدان تئاتر ایران ضمن بیان این خبر به سایت

ایران تئاتر گفت: «در مراسم سالانه کانون ملی منتقدان تئاتر ایران که چهارشنبه ۸ شهریورماه برگزار می شود، استاد رضا سیدحسینی مورد تجلیل قرار گرفته و استاد اکبر رادی که سال ها با وی مراده داشته است درباره این استاد، مترجم و مؤلف کتاب معروف مکتب های ادبی سخنرانی خواهد کرد.» ناصربخت

درباره علت تجلیل کانون ملی منتقدان از سیدحسینی گفت: «وی به عنوان مترجم متون پایه در نقد ادبی و نمایشی و به عنوان فردی که سال ها اصول نقد را در فرهنگسرای نیاروان تدریس می کرده و تالیفات و ترجمه های بسیار در این حوزه دارد مورد تجلیل قرار می گیرد.» وی درباره دیگر برنامه های این جشن گفت: «در این روز منتخبان تئاتر در سال ۸۴ و وسیله کانون در بخش های طراحی صحنه، موسیقی، بازیگری زن و مرد، کارگردانی، نمایشنامه نویسی و . . . معرفی می شوند. علاوه بر این، منتقدان برتر سال گذشته نیز معرفی می شوند که یک منتقد از اعضای کانون و یک منتقد، غیر عضو خواهند بود. در پایان این مراسم، نمایش «زمین مقدس» روی صحنه می رود و علاوه بر آن در لابه لای مراسم، قطعات موسیقی اجرا می شود.»

■

نگارش نمایشنامه تا بعد از این»

محمد رضایی راد در حال نگارش نمایشنامه ای با مضمون اجتماعی است. محمد رضایی راد کارگردان و درام نویس ضمن بیان این خبر به سایت ایران تئاتر گفت: نمایشنامه تا بعد از این که مشغول نگارش آن هستم یک اثر اجتماعی است که داستان شخصی خلاق در دو واقع یک متن خاص است. علاوه بر آن بر خلاف دو سه کار اخیرم که کارهایی پر پرسوناژ و طولانی بودند، این نمایشنامه کم پرسوناژ و جمع و جور است و برای دو بازیگر زن و یک بازیگر مرد نوشته می شود. وی با اشاره به این که در سینما مشغول به کار است، گفت: کار دیگری در تئاتر ندارم. چندی پیش نیز یکی از دوستان پیشنهادی برای تولید تئاتر به من داد ولی به خاطر مشغله ای که داشتم، پیگیری نکردم.

■

جشن سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان

مراسم جشن سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر امروز عصر با حمایت شرکت پرداخت الکترونیک سامان برگزار شد و جوایز این جشن از سوی این شرکت به برگزیدگان هر بخش اهدا شد. با توجه به ضرورت حضور بخش ها و مراکز اقتصادی در عرصه فرهنگ و هنر و حمایت آنان از این حیطه، گفت وگویی با مدیر روابط عمومی شرکت پرداخت الکترونیک بانک سامان انجام دادیم. محمدحسین عابدی مدیر روابط عمومی شرکت پرداخت الکترونیک سامان با تأکید بر این که این طبیعی است که پرداختن به مسائل فرهنگی همواره مورد توجه نهادهای اقتصادی باشد، در گفت وگو با سایت ایران تئاتر افزود: «چون حوزه فرهنگ متوجه عموم مردم است، هر چه سطح فرهنگی جامعه ارتقا یابد، نتیجه آن در فعالیت های اقتصادی خود را نشان خواهد داد.» وی با اشاره به این که تئاتر و هنر است که در تمام دنیا وابسته به کمک های دولتی و غیردولتی است، افزود: «چون بسیاری از نمایش ها خود به خود نمی توانند درآمدزا باشند، بنابراین باید سوبسیدهایی به این هنر از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی اختصاص یابد.» وی با اشاره به این که در حال حاضر بانک سامان و شرکت پرداخت الکترونیک سامان حمایت از جشن سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر را که امروز برگزار می شود، به عهده گرفته اند، خاطر نشان کرد: «این حرکت در جهت ایجاد تعامل بیشتر با حوزه تئاتر انجام شده و ما امیدواریم این همکاری ها در سطحی گسترده تر در آینده نزدیک میان تئاتر و شرکت پرداخت الکترونیک سامان برقرار شود.»

■

تعویض بازیگر در نمایشی از نام استاپارد

دیوید کلدر قرار است از ۲۶ سپتامبر جایگزین برایان کاکس در نمایش «راک اند رول» نوشته تام استاپارد شود. کلدر به بازیگران اصلی نمایش یعنی سیندا کوماک، آلیس ایو و آنتونی کالف می پیوندد. این نمایش که در ماه ژوئن در رویال کورت به روی صحنه رفته بود، از ماه جولای در دیوک آویورک وست اند اجرا شده و شش هفته دیگر روی صحنه خواهد ماند. کلدر نقش یک پروفیسور مارکسیست دانشگاه کمبریج را بازی می کند که با وجود اینکه نظام کمونیستی در چکسلواکی از بین رفته همچنان عقاید کمونیستی اش را حفظ کرده است. کلدر اخیراً در نمایش های «پنج حلقه طلایی» و «گفت وگوهای پس از خاکسپاری» در آلمیدا تیاتر بازی کرده است. او در تلویزیون هم در نقش بازرس جنایی جورج رزینک در مجموعه تلویزیونی «بیوه ها» ظاهر شده است. فیلم های «دوستان آمریکایی» و «شاه زنده است» نیز در کارنامه بازیگری کلدر دیده می شود.